

ضرورت فقهی طرح منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای: ممنوعیت سلاح هسته‌ای از منظر حقوق بین‌الملل و اسلام

تاریخ دریافت ۹۴/۲/۲۲ - تاریخ پذیرش ۹۴/۵/۱۲ سعید داودی لیمونی^۱

علیرضا داودی لیمونی^۲

چکیده

موضوع کنترل تسلیحات به ویژه در گونه‌ی اتمی و هسته‌ای یکی از مهم‌ترین مباحث حقوقی جهان معاصر تلقی می‌شود. برداشت از قواعد مبتنی بر منابع و اصول اسلامی به عنوان منبع تعیین و جهت‌دهی به رفتار دولت‌های اسلامی در ارتباط با این‌گونه از تسلیحات محل اختلاف است. ممنوعیت یا عدم ممنوعیت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی، خصوصاً سلاح هسته‌ای، از پرسش‌های اساسی جهان امروز است که حقوق بین‌الملل و مقررات فراملی تاکنون نتوانسته اند ممنوعیت آن را اعلام نمایند و بر همین اساس هیچ ممنوعیتی در رابطه با تولید و نگهداری و استفاده از این سلاح‌ها در مقیاس عام وجود ندارد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری با قوانین مبتنی بر شریعت اسلام ضمن اعلام ممنوعیت تولید، نگهداری و استفاده از این سلاح‌ها بر اساس اندیشه‌های فقه اسلامی، طرح خاورمیانه‌ی منطقه عاری از سلاح هسته‌ای را ارایه داده است که بیانگر پیشرو بودن اسلام در این زمینه است.

واژگان کلیدی: سلاح هسته‌ای، بازدارندگی، امنیت، حقوق بین‌الملل، فقه اسلامی.

۱. استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲. دانش‌آموخته کارشناس ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

(نویسنده مسئول) رایانامه: alirezadavoodee@gmail.com





مقدمه

جنگ به عنوان منفورترین همراه همیشگی انسان، تاریخی برابر با حیات بشر دارد. صرف نظر از دلیل شکل گیری جنگ‌ها، تفاوتی در آثار مخرب جنگ ایجاد نمی‌شود. به همین جهت جلوگیری از وقوع جنگ و کنترل آن و گسترش صلح یکی از بزرگترین دغدغه‌های بشر به‌ویژه بعد از تجربه‌ی دو جنگ بزرگ جهانی می‌باشد. با گذر زمان جنگ‌ها از دو منظر گستردگی و نوع سلاح‌های مورد استفاده دچار تغییر اساسی شده‌اند. بزرگ‌ترین هراس جامعه‌ی جهانی در عصر حاضر تولید سلاح‌هایی است که دارای قدرت تخریب غیر قابل تصور هستند، چنان‌که گاهی زندگی کل بشریت بر روی زمین را به خطر می‌اندازند و در همین راستا تلاش‌های جهانی در جهت رفع این خطر فراگیر آغاز شده است. معاهدات کنترل و عدم اشاعه‌ی تسلیحات کشتار جمعی یکی از این حرکت‌های جهانی است، اما خلأ ممنوعیت قانونی مبتنی بر حقوق و قواعد بین‌المللی در این زمینه باعث گسترش ترس و نگرانی از بلندپروازی‌های هسته‌ای در جهان شده است.

در تمام ادیان الهی و توحیدی به‌ویژه دین مبین اسلام تأکید بسیاری بر صلح و پیشگیری از وقوع جنگ و ایجاد شرایط زندگی مسالمت‌آمیز و عاری از خشونت شده است، و جلوگیری از تعدی به حقوق انسان‌ها از اصول اساسی دین اسلام است. موضوع جنگ و صلح در قرآن به عنوان راهنمای زندگی انسانی در آیات مختلف مورد اشاره واقع شده است تا آنجا که قتل یک فرد برابر با قتل تمام انسان‌های جهان دانسته شده است. یکی از مسایل جدید مطرح در دین اسلام، مسأله‌ی سلاح‌های کشتار جمعی و حکم آن است. در این زمینه به دلیل جدید بودن این بحث، مطالب منتشر شده‌ی چندانی وجود ندارد و صرفاً در تفاسیر معدودی مانند الکاشف و یا من وحی القرآن و در کتبی مانند الفقه و





المسائل الطیبه یا الفقه و السلم و السلام و تعداد معدودی مقاله با نگرش دینی مستقیماً به آن پرداخته شده است و دلایلی مورد استفاده قرار گرفته است.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان حکومتی که اساس و بنیان خود را بر اساس فقه شیعی قرار داده است، در رویارویی با موضوع سلاح‌های کشتار جمعی حکم به حرمت و عدم جواز تولید، نگهداری و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای نموده است. نمای بارز این تفکر در جمهوری اسلامی ایران حکم فقهی و حکومتی مقام رهبری در این رابطه می‌باشد که در سازمان ملل به عنوان رویکرد و سیاست رسمی ایران توسط مقامات ایرانی اعلام شده و حتی توسط رییس‌جمهور ایالات متحده مورد اشاره قرار گرفته است.¹

در عمل نیز جمهوری اسلامی ایران با حمایت از طرح عاری ماندن خاورمیانه از سلاح هسته‌ای نشان داده است که همواره با تولید، نگهداری و استفاده از آن مخالف است و این رفتار کاملاً منطبق بر قوانین و قواعد بین‌المللی است.

این نگاه جمهوری اسلامی برگرفته از پیش‌زمینه‌های فقهی مسأله‌ی سلاح‌های کشتار جمعی است که می‌توان مدعی شد همین استنباط فقهی مبنای طرح منطقه‌ی عاری از سلاح هسته‌ای می‌باشد. از همین رو در این مقاله ضمن تبیین دیدگاه حقوق بین‌الملل در ارتباط با سلاح هسته‌ای، به بررسی حکم فقهی تولید، نگهداری و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای خواهیم پرداخت تا از این طریق بررسی مقایسه‌ای میان این دو دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل داشته باشیم.

پرسش اصلی در این مقاله حکم تولید سلاح‌های هسته‌ای اعم از زمان اضطرار و غیر آن و نسبت آن با حقوق بین‌الملل است. فرضیه‌ی نویسندگان حرمت تولید، نگهداری و استفاده از این سلاح بر اساس ادله‌ی دینی است، اما برای اثبات این ادعا از روشی متفاوت استفاده شده تا مشکلات موجود در استدلال‌های مرسوم در این زمینه مرتفع شوند.



1. "Remarks by President Obama in Address to the United Nations General Assembly". The WHITE HOUSE President Barack Obama. 24 September 2013. Retrieved 21 August 2015.



در این راستا با استفاده از روش کتابخانه‌ای و نگارشی توصیفی - تحلیلی در چند بخش جداگانه موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در ابتدا به بیان نگاه حقوق بین‌الملل به این مسأله خواهیم پرداخت، و سپس نگاه اسلام به این مسأله را تبیین می‌کنیم. نوآوری این پژوهش را می‌توان در ارائه‌ی ترتیب جدید فقهی برای بررسی و پژوهش پیرامون یکی از مسائل مورد نیاز عصر حاضر دانست که می‌تواند مبنای مشاهده، تحلیل و تصمیم‌گیری در بسیاری از موضوعات مشابه به‌ویژه در حوزه‌ی امنیت و مطالعات استراتژیک قرار گیرد.

۱. سلاح هسته‌ای از منظر حقوق بین‌الملل

مهم‌ترین و جامع‌ترین مطلب در زمینه‌ی ممنوعیت یا عدم ممنوعیت تولید، نگهداری و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را می‌توان در رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری پیدا نمود. بر همین اساس با بررسی بخش‌هایی از این رأی موضع‌گیری حقوق بین‌الملل در این زمینه مشخص می‌گردد

در ۱۴ مه ۱۹۹۳، مجمع بهداشت جهانی اقدام به صدور قطعنامه‌ای نمود و نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری را در خصوص این مسأله جویا شد که با توجه به آثار بهداشتی و زیست‌محیطی استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، آیا چنین اقدامی توسط یک دولت در زمان جنگ، نقض تعهدات آن بر اساس حقوق بین‌الملل و از جمله اساسنامه سازمان بهداشت جهانی می‌باشد یا خیر.^۱ هنگام طرح این مسأله در مجمع بهداشت جهانی، دولت‌های دارای سلاح هسته‌ای مخالفت شدید خود با تصویب این قطعنامه را اعلام نمودند.

هر چند درخواست نظر مشورتی سازمان بهداشت جهانی توسط دیوان بین‌المللی رد شد، اما در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۴، مجمع عمومی ملل متحد با صدور قطعنامه (k 75/49)، ضمن استقبال از درخواست نظر مشورتی توسط سازمان بهداشت جهانی، مستقلاً با طرح پرسش





در مورد جواز استفاده از سلاح‌های هسته‌ای یا تهدید به استفاده از آن، در هر شرایطی بر اساس حقوق بین‌الملل، خواستار نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری شد.^۱ دیوان برای بررسی این حکم، حقوق قابل اعمال در این موضوع را تفکیک و به بررسی آن پرداخت که نتیجه‌ی آن به این صورت اعلام شد:

۱-۱- احقوق بشر

قواعد حقوق بشر برای رسیدگی و پاسخ به این حکم کافی نبوده و نمی‌توان به آن استناد کرد، زیرا حکم آن تابع قواعد حقوق مسلحانه است و نمی‌توان از حقوق بشر در زمینه‌ی مباحث حقوق بشردوستانه و مخاصمات مسلحانه بهره جست.

۱-۲ ممنوعیت کشتار جمعی

دیوان اظهار داشت: «اگر توسل به سلاح‌های هسته‌ای در بر دارنده‌ی عنصر قصد "کشتار جمعی" نسبت به گروهی بر اساس ماده مذکور باشد، ممنوعیت کشتار جمعی در این مورد مطرح می‌گردد. به عقیده‌ی دیوان، تنها زمانی می‌توان به این نتیجه رسید که شرایط مربوط به هر قضیه مورد توجه قرار گیرد».^۲ بنابراین از نظر دیوان بین‌المللی دادگستری هرگونه استفاده از سلاح هسته‌ای به جنایت کشتار جمعی منجر نمی‌شود، بلکه در هر مورد باید وجود قصد نابودی گروه‌های مربوط را بررسی نمود.

۱-۳ حمایت از محیط زیست

دیوان در این بحث با دو اصل (۲۶) کنفرانس استکهلم و نیز پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو به تاریخ سال‌های ۱۹۷۷ و ۱۹۷۲ مواجه بود. دیوان در ارتباط با حقوق حمایت از محیط زیست اشاره داشت هیچ‌یک از قواعد موجود در این زمینه نمی‌تواند ممنوعیت کامل این تسلیحات را به صورت مطلق اثبات نماید. در موضوع قواعد موجود هیچ کدام ماهیت عرفی ندارند که قابلیت استناد داشته باشند، بنابراین هیچ دلیلی برای این ممنوعیت از منظر حقوق محیط زیست وجود ندارد.^۳



۱. ر.ک: G.A.Res. 49/75k, Dec., 1994.

۲. ر.ک: I.C.J.Reports, OP.Cit., p.14, para.26.

۳. ر.ک: I.C.J.Reports, OP.Cit., p.29.



۴-۱ دفاع مشروع

دیوان با استناد به عنوان دفاع مشروع گزارش داد «دیوان نمی تواند حق بنیادین هر دولت در بقای خود، هنگامی که موجودیتش در خطر است را نادیده بگیرد... با توجه به وضعیت کنونی حقوق بین الملل، از دیدگاه کلی دیوان به این نتیجه می رسد که نمی تواند به نتیجه ای قطعی در خصوص مشروعیت یا عدم مشروعیت استفاده از سلاح های هسته ای توسط دولتی در شرایط بسیار حاد دفاع مشروع که در آن شرایط موجودیتش در خطر می باشد دست یابد»^۱.

۵-۱. ممنوعیت سلاح هسته ای بر اساس معاهدات و حقوق عرفی

دیوان در این زمینه با بررسی چند مورد از معاهدات و حقوق عرفی مانند معاهدات مربوط به منع آزمایشات هسته ای، معاهدات مربوط به عدم استقرار سلاح های هسته ای و معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای اعلام نمود هر چند اقدامات خوبی در این زمینه شکل گرفته است اما دیوان در مجموع در خصوص تشکیل عرف معتقد است هر چند عرفی شکل نگرفته است ولی عنصر معنوی در راستای توسعه ی تدریجی حقوق بین الملل در حال پیشرفت است بنابراین نمی توان ممنوعیتی را بر اساس این حقوق اثبات نمود.

۶-۱. حقوق مخاصمات مسلحانه

دیوان با بررسی حقوق بشر دوستانه به عنوان حقوق جاری در مخاصمات عنوان کرد به رغم وجود قواعد عرفی مهمی در این زمینه نمی توان ممنوعیت استفاده از سلاح هسته ای را بر اساس آنها اثبات کرد.^۲

در نهایت دیوان نتوانست ممنوعیتی را در این زمینه اثبات کند که نشان دهنده ی عدم توانایی حقوق بین الملل در تأمین و هدایت قوانین موجود به سمت ایجاد قواعد حامی صلح و امنیت بین المللی و ایجاد ممنوعیت پیرامون تسلیحات هسته ای باشد.^۳



1.I.C.J.Reports, OP.Cit.,p33

۲. ر.ک: I.c.j. reports,Op.cit.,p.28

۳. ر.ک: ممتاز، ۱۳۷۷: ۵۹



با توضیحات ارائه شده به سادگی می‌توان دریافت حقوق بین‌الملل از موضع‌گیری قاطع و شفاف برای اعلام ممنوعیت تولید، نگهداری و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای ناتوان می‌باشد؛ اما آیا نظام فقهی و حقوقی اسلام نیز در این زمینه توانایی انشای حکمی متفاوت از حقوق بین‌الملل را دارد یا خیر؟

۲. سلاح هسته‌ای در فقه اسلامی

پیش از بررسی فقهی حکم سلاح هسته‌ای در اسلام باید یک مسأله تبیین گردد تا در سایه‌ی آن بتوان نگاهی علمی‌تر و جامع‌تر به حکم تولید، نگهداری و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و به خصوص سلاح هسته‌ای داشت. مسأله‌ای که در واقع تصحیح یک اشتباه مبنایی در نگاه به سلاح هسته‌ای است که به عنوان عدم درک درست از موضوع به صدور حکم مبتنی بر این استنباط نادرست منجر می‌شود.

۲-۱. بازدارندگی هسته‌ای و انشای حکم

مهم‌ترین آیه‌ای که در اثبات حکم فقهی سلاح هسته‌ای و هر گونه تسلیحات اعم از کشتار جمعی و غیر آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، آیه شریفه (۶۰) از سوره مبارکه انفال است که می‌فرماید «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ»؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله‌ی آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه‌ی دفاعی اسلام) انفاق کنید، به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد.

محققانی که به دنبال بررسی نظر اسلام پیرامون سلاح کشتار جمعی به ویژه سلاح هسته‌ای هستند ناگزیر باید از این آیه بحث کنند. بی‌شک استناد به این آیه و عمومیت آن بدین معناست که هر نوع سلاح را داخل در مصادیق آن قرار دهیم و بنابراین یک کشور مسلمان باید از هر گونه سلاحی بهرمنند شود تا به وسیله‌ی آن ضمن حفظ خود، از کیان





اسلام دفاع کند؛ از طرفی برای مخالفت با حکم مستنبط از این آیه تنها می‌توان با استناد به نصوص متضمن محدودیت‌های استفاده از بعضی سلاح‌ها و روش‌ها مانند ممنوعیت ارسال سموم یا قطع درختان^۱ اقدام به تخصیص شمول آیه نمود.

نکته‌ی مهم در این زمینه مشکل تخصیص آیه از طریق نصوص آن است که نهایت مطلبی که از این روایات استفاده می‌شود حرمت استفاده از این سلاح‌ها در زمان غیر اضطرار است و این ادله نسبت به تولید، نگهداری و استفاده از این سلاح‌ها در زمان اضطرار دلالتی ندارند و حتی با وجود موارد تاریخی و روایی در اسلام مانند بحث تترس و یا قطع درختان توسط پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) در جنگ با یهودیان (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۹۵) که بر اساس مصلحت جامعه‌ی اسلامی محدودیت‌های ادعایی برداشته شده است، می‌توان گفت استدلال این گروه کامل نبوده و با این ادله نقض می‌شوند و بر این اساس نمی‌توان حرمت تولید، نگهداری و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را بر اساس این استدلال ثابت کرد مگر اینکه معتقد به حرمت این تسلیحات حتی در زمان اضطرار بود چنانکه محقق نجفی به آن حکم داده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴: ۶۷).

نگارندگان اعتقاد دارند این استنتاج عمومی و تلاش برای تخصیص آیه ناشی از یک اشتباه موضوع‌شناسی می‌باشد و بر همین اساس تلاش دارند با ارائه‌ی نگاهی جدید به معنای آیه و موضوع مورد بحث این روش را نقد و باطل نموده، بر اساس نگاه جدید خود عدم دلالت آیه بر سلاح‌های هسته‌ای را ثابت نمایند.

۲-۲. بررسی اجزای مفهوم‌ساز آیه

برای درک درست معنای آیه و کشف مقصود اصلی شارع از این آیه و نیز حیطه‌ی مصادیق آن باید کلمات مهمی که شکل دهنده‌ی معنای آیه هستند را به دقت بررسی کنیم. دو واژه «قُوَّة» و «تُرْهُبُونَ» شکل دهنده‌ی دایره‌ی مصادیقی آیه می‌باشند که درک درست از آیه در گروی بررسی معنای دقیق این دو کلمه است تا بتوان جایگاه آنها را در آیه به دقت ترسیم کرد. در ابتدا باید متذکر شد به رغم اهمیت دو واژه «أَعِدُّوا» و «اسْتَطَعْتُمْ» در





نهایت، معنا وابسته به معنای دو کلمه‌ی مورد نظر است؛ زیرا آماده‌سازی وظیفه‌ی هر کس هم که در نظر گرفته شود، اعم از فرد مسلمان و یا حکومت اسلامی، بی شک فراتر از استطاعت ایشان نخواهد بود، اما اینکه چه چیز باید آماده شود نکته‌ی مهم آیه است، آیا منظور مطلق هر چه می‌تواند قدرت در نظر گرفته شود است و یا این که قیدی را می‌توان از آیه استفاده کرد و این ارتباط محکمی با معنای واژگان "قوه" و "ترهبون" دارد.

کتاب لغت «قوه» را در برابر ضعف به معنای توان انجام کار دلخواه معنا کرده‌اند که «اصل واحد در این لغت تمکن از انجام فعل بوده که دارای مراتب شدت و ضعف است. این کلمه در حالت اطلاق بر حداکثر قوه دلالت دارد و شامل دو بخش معنوی و مادی می‌شود» (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۳۴۶-۳۴۸)

در کتاب لغت «ترهبون» که مشتق از ماده «رهب» است برابر با خوف معنا شده است اما تفاوتی ظریف میان این دو بیان شده است. اگر چه خوف و رهب هر دو به معنای ترس مستمر معنا شده‌اند، اما خوف را ضد امن دانسته‌اند یعنی خوف، حس ترس مستمر ناشی از نبود امنیت است، اما رهب در برابر واژه‌ی رغبت به معنای «ضد» یاد شده است. بر این اساس رهب به معنای ترسی است که مانع از رغبت به امری می‌شود و می‌توان گفت این ترس نه حاصل از نبود امنیت، بلکه برخاسته از احتمال از میان رفتن امنیت به سبب انجام کاری است و این ترس مانع رغبت می‌شود. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۴۲-۲۴۰)

با دقت در ترکیب معنای این دو لغت می‌توان به نتیجه‌ی جالبی دست یافت و آن این که منظور از قدرت در آیه آن‌چنان توانی است که ایجاد کننده‌ی حس ترسی شود که رغبت به انجام کاری را از میان ببرد و با در نظر گرفتن این معنای ظریف همانا هدف اسلام از این قدرت و توصیه‌ی آن از میان بردن امنیت دیگران نیست، بلکه صرفاً قدرتی مورد نظر است که رغبت دشمنان به تجاوز و ماجراجویی علیه مسلمانان را از میان ببرد. از این جا می‌توان نتیجه گرفت هدف و نگاه اسلام برای کسب قدرت نگرشی عموماً دفاعی است. برای تقویت این معنا می‌توان استدلال کرد اسلام به دلیل اینکه به دنبال آماده کردن شرایط هدایت و رستگاری تمام انسان‌ها است، کسب قدرت را به جهت آماده‌سازی شرایط تبلیغ می‌طلبد و منطقاً برای دینی که با هدف تبلیغ معنا یافته است، کشتن تعداد بی‌شماری از مردم





نقض هدف است. دفاعی بودن تمام جنگ‌های پیامبر گرامی اسلام نیز مؤید دیگری بر این امر است که هدف نه سلب امنیت، بلکه سلب رغبت به تجاوز از کفار است و هدف غایی افزایش امنیت جامعه اسلامی است.

عموم مفسرین اعم از شیعی و سنی نیز در تفسیر این آیه بر این نکته توجه داشته‌اند چنانکه در تفاسیر اسلامی می‌توان این معنا را صراحتاً و مضموناً یافت و در آنها هدف از کسب قدرت ایجاد حالت ترس و عدم رغبت است که به اختصار به آن اشاره خواهیم نمود.

۲-۳. نظر مفسرین در مورد تفسیر آیه شریفه (۶۰) سوره مبارکه انفال

علامه طباطبایی در تفسیر گران سنگ میزان عنوان می‌کنند «این آماده‌سازی به جهت دفاع از حقوق جامعه اسلامی و منافع حیاتی اسلام است و حاصل این آماده‌سازی و جمع‌آوری قدرت، ترساندن دشمن است که دافع دشمن است». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱۴)

تفسیر نمونه نیز به همین معنا اشاره دارد «هدف این نیست که مردم جهان و حتی ملت خود را با انواع سلاح‌های مخرب و ویران‌گر درو کنید، و آبادی‌ها و زمین‌ها را به ویرانی بکشانید، هدف این نیست که سرزمین‌ها و اموال دیگران را تصاحب کنید، و هدف این نیست که اصول بردگی و استعمار را در جهان گسترش دهید، بلکه هدف این است که با این وسایل دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲۵)

در تفسیر من وحی القرآن «رد دشمن و ممانعت از جنگ و نیز اجبار دشمنان به سمت معاهده و صلح با مسلمانان» به عنوان مقصود از آیه مطرح شده است (فضل الله، ۱۴۱۹: ۴۰۹)؛ در کتاب الفرقان فی التفسیر القرآن نیز «آمادگی جهت دفاع از حدود و ثغور ممالک اسلامی» ذکر شده است (صادقی، ۱۳۶۵: ۲۷۵)؛ در تفسیر شریف مجمع البیان در تفسیر آیه آمده است «هدف، آمادگی پیش از حمله‌ی کفار است تا رغبت دشمن به حمله از میان برود» (طبرسی، ۱۳۷۳: ۸۵۲)

در التحریر و التئویر آمده است «قوت و قدرت‌یابی مسلمانان عاملی است که کفار دیگر جرأت تجاوز به مسلمانان را نداشته باشند» (ابن عاشور، بی‌تا: ۱۴۵) همین معنا در





تفسیر روح المعانی (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۲۱)، فی ظلال القرآن (شاذلی، ۱۴۱۲: ۱۵۴۴) نیز آورده شده است.

با نکات مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت قدرتی که خداوند در آیه بر آن تأکید فرموده است شامل مصادیقی که ایجاد کننده‌ی حس عدم رغبت و ترس در کفار است می‌باشد که می‌توان به وسیله‌ی آن از دست‌اندازی کفار به جوامع اسلامی پیشگیری کرد و امنیت مسلمانان را با آماده‌سازی آن حاصل کرد. بنا بر این هر آن چه ایجاد کننده‌ی این وضعیت امنیت برای مسلمانان نباشد و یا حتی نتیجه‌ای عکس آن را حاصل کرده و امنیت مسلمانان را مورد تهدید قرار دهد از مصادیق آیه خارج است.

پرسش مهمی که اکنون باید به آن پاسخ گفت این است آیا تسلیحات هسته‌ای دارای این قابلیت ایجاد امنیت می‌باشند؟ آیا این سلاح می‌تواند حس ترس را در دشمنان به جهت جلوگیری از دست‌اندازی به ممالک اسلامی ایجاد کند؟

پاسخ به این سؤال ایجاد کننده‌ی جهت اصلی در بررسی ممنوعیت یا عدم آن در منظومه‌ی علمی دین اسلام است و در نگاه اول در پاسخ به پرسش مطرح شده بی‌شک همین معنا ظهور می‌کند که تسلیحات هسته‌ای به واسطه‌ی قدرت تخریب بالا و ترس ناشی از آن بی‌شک دارای ویژگی ایجاد ترس می‌باشد و جایگاه مهمی در راهبرد دفاعی یک کشور اسلامی به عنوان عامل ایجاد حس ترس در کفار خواهد داشت که دست‌یابی به آن در جهت دفاع از کیان اسلام ضروری خواهد بود. با وجود این آیا پاسخ داده شده واقعاً درست است و نمی‌توان گفت که این پاسخ در اثر نگرش تک بعدی و محدود به تسلیحات هسته‌ای نادرست است.

به نظر می‌رسد با نگاه دقیق در این پرسش می‌توان مدعی شد سلاح هسته‌ای بر خلاف ظاهر اولیه‌ی آن دارای این قدرت نبوده و امنیت را در دوران کنونی به ارمغان نمی‌آورد، بلکه ادعای نویسنده بر این است که این تسلیحات حس ترس و عدم امنیت را در دارنده‌ی آن افزایش می‌دهد. برای اثبات این ادعا و توضیح این مطلب ابتدا به بررسی نظریه‌ی بازدارندگی در روابط بین‌الملل می‌پردازیم و در نهایت استدلال خود را برای این مطلب ارائه می‌کنیم.

ضرورت تقویت طرح منطقه‌ای دارای اراضی برآمده: نمونه‌ی طرح منطقه‌ای دارای اراضی برآمده





۲-۴. بازدارندگی هسته‌ای: ادعا یا واقعیت

نظریه‌ی بازدارندگی^۱ در روابط بین‌الملل متضمن همان معنای مطرح شده در آیه (۶۰) سوره مبارکه انفال است و نتیجه‌ی همسانی به دنبال دارد؛ به همین جهت با کمک گرفتن از این نظریه‌ی مشهور در روابط بین‌الملل، سعی بر اثبات این نکته داریم که تسلیحات هسته‌ای در زمان کنونی دارای ویژگی بازدارندگی نیست. در این راستا در ابتدا این نظریه را به‌طور اجمالی و مختصر توضیح می‌دهیم تا علاوه بر شناخت ارتباط آن با معنای آیه، اجزای آن شناخته شود.

واژه انگلیسی "deterrence" به معنای «پیشگیری از انجام عملی به سبب ترس، وحشت، تهدید و ترور» است (Heritage Dictionary, 1969: 359). این مفهوم یک اثر روانی بر فرد مقابل دارد و او را از اندیشه‌ی انجام کار باز می‌دارد. این نوع تهدید باید پیامی صریح داشته باشد؛ آن پیام باید تهدید به رنج و آسیب را انتقال دهد. (عسکرخانی، ۱۳۷۷: ۲۰)

عمل متقابل یا تلافی جویانه معمولاً در بازدارندگی نقشی اساسی دارد. این پیام باید طوری باشد که اگر دشمن، کاری را آغاز کند، بهای بسیار سنگینی را بپردازد. پس «بازدارندگی بین دو کشور (الف) و (ب) عبارت است از قدرت تهدید از ناحیه‌ی (الف) علیه (ب) به منظور پیشگیری از انجام کاری از ناحیه‌ی کشور (ب)، به صورتی که در فقدان این تهدید کشور (ب) بتواند به آن مبادرت ورزد» (میرفخرایی، ۱۳۸۸: ۹۰). این عمل نه یک منع و یا اقدام فیزیکی، بلکه صرفاً ایجاد حالتی روانی برای از میان رفتن مطلوبیت و رغبت به عمل است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود این معنا دقیقاً با معنای مستنبط از آیه قابل انطباق است.

«بازدارندگی دارای دو نوع است: ۱. بازدارندگی متعارف که مبتنی بر سلاح‌های سنتی و متعارف برای بازدارندگی است. ۲. بازدارندگی هسته‌ای که مبتنی بر سلاح‌های هسته‌ای در جهت ایجاد بازدارندگی است.» (میرفخرایی، ۱۳۸۸: ۲۲)





اگر چه بحث بازدارندگی به دلیل قدرت تخریب بیشتر سلاح‌های هسته‌ای تأکید بیشتری نسبت به آنها در مقایسه با دیگر سلاح‌های کشتار جمعی دارد، لیکن نتیجه‌ی حاصل از هر دو بحث همسان بوده و نظریات مطرح در این نظریه قابل انطباق بر دیگر سلاح‌های کشتار جمعی نیز می‌باشند.

قائلین به واقع‌گرایی در عرصه‌ی روابط بین‌الملل به عنوان یکی از جریان‌های فکری اصلی^۱ با تأکید بر کارایی بازدارندگی هسته‌ای عنوان می‌کنند «تجهیز به سلاح هسته‌ای عملاً باعث افزایش امنیت کشور شده و ایجاد کننده‌ی ترس برای دشمنان است و برای اثبات ادعای خود به کاربرد این نظریه در دوران جنگ سرد و عدم شکل‌گیری جنگ مستقیم، بین دو ابر قدرت جهان یعنی شوروی و آمریکا استناد می‌کنند» (Thayer, 1995: 149-158)؛ از این رو ایشان گسترش تسلیحات هسته‌ای را عامل گسترش امنیت جهانی عنوان می‌کنند. کنث والتز^۲ در مقاله‌ی خود در نشریه شورای امور خارجه ضمن نقد رویه‌ی آمریکا در برخورد با برنامه‌ی هسته‌ای ایران متذکر می‌شود «دست‌یابی ایران به سلاح هسته‌ای نه یک تهدید بلکه عاملی برای ایجاد ثبات بیشتر در جهان است، چرا که با دست‌یابی ایران به سلاح هسته‌ای از نگرانی‌های امنیتی این کشور کاسته می‌شود و بعد از آن ایران به سمت درون حرکت می‌کند و رقابت و درگیری ایران با منافع آمریکا در جهان کاهش می‌یابد». (Waltz, 2009: 56) او حتی به مقامات آمریکایی توصیه می‌کند تا راه آسانی برای دست‌یابی ایران به این سلاح فراهم کنند. تهدید امنیتی ناشی از تجهیز اسرائیل به سلاح هسته‌ای از منظر قائلین به این دیدگاه عامل اصلی حرکت ایران به سمت این سلاح است و راه‌حل رفع این تهدید را در دست‌یابی ایران به سلاح هسته‌ای می‌دانند. با قبول این فرض، سلاح کشتار جمعی به ویژه سلاح هسته‌ای همان قدرتی است که باعث وحشت دشمن و عدم رغبت او به تجاوز به دلیل احتمال پاسخ غیر قابل تصور خواهد بود و به نظر می‌رسد باور عمومی به این دیدگاه گرایش دارد.





این در حالی است که از لحاظ نظری، بازدارندگی دارای مخالفانی است مانند اسکات سیگن^۱ و استیون لی^۲ و آیک ژان^۳ که معتقدند «پیش فرض‌های نظریه‌ی بازدارندگی مانند انتخاب عقلایی و یا تصمیم‌گیری صحیح دارای کارایی عملی و مصادیق عینی بیرونی نیست و نمی‌توان به آنها امیدوار بود» (Sagan, 1995: 129)؛ بر این اساس مخالفین نظریات بازدارندگی گسترش سلاح‌های کشتار جمعی مخصوصاً هسته‌ای را عامل بی‌ثباتی و کاهش امنیت فردی و بین‌المللی می‌دانند. توجه به اثرات واقعی گسترش این سلاح‌ها می‌تواند نمایان کند آیا سلاح‌های هسته‌ای باعث افزایش امنیت برای دارنده‌ی آن و ترس دیگران می‌شوند و یا اینکه ترس و وحشت فراگیر حتی برای دارنده‌ی آن ایجاد کرده و موجب هیچ امنیتی نیستند. این اثرات را در چند دسته می‌توان تقسیم‌بندی کرد:

اول. رقابت تسلیحاتی و دایره‌ی ترس فزاینده: از دید این منتقدین، دست‌یابی به یک سلاح کشتار جمعی نه پایان راه بلکه ابتدای مسیر رقابت دشمنان برای دست‌یابی به برتری و تولید سلاح‌های خطرناک‌تر و با قدرت بیشتر است و این رقابت پایان راه نیست. سابقه‌ی تاریخی بازدارندگی نیز شاهد این مدعا است زیرا در تمام دوران جنگ سرد دو ابر قدرت دائماً به دنبال تولید سلاحی استراتژیک جهت نابودی دشمن بودند و این چرخه‌ی ادامه‌دار منجر به وضعیت وحشت‌آوری برای جهان شد، چرا که کوچک‌ترین اشتباه تمام جهان را نابود می‌کرد و حتی راهبردهای دیوانه‌وار مطرح در زمان حاضر مانند استراتژی M.A.D^۴ که نابودی طرفین را در بر دارد از جمله نتایج وجود این سلاح‌ها است و عملاً هیچ امنیتی ایجاد نمی‌شود. (هادیان، ۱۳۹۰: ۴۶)

دوم. شیوع دایره‌ی ترس فزاینده در سطح جهانی: دست‌یابی به تسلیحات هسته‌ای نه تنها باعث رقابت تسلیحاتی دو طرف می‌شود بلکه دیگر کشورها را وارد این بازی خطرناک می‌کند زیرا کشورهای دیگر نیز خود را در معرض خطر می‌بینند و به دنبال این هستند که تماشاگر این رقابت نباشند. از این رو تلاش برای دست‌یابی به این سلاح‌ها مانند



1.Scot D. Sagan
2.Steven Lee
3.Ike Jean
4. Mutually Assured Destruction



ویروس خطرناکی گسترش می‌یابد و در نهایت جهان تبدیل به صحنه‌ی نابودی همگان به خاطر گسترش این تسلیحات است. تاریخ بازدارندگی مؤید خوبی بر این امر است که اروپا در تمام دوران جنگ سرد به لحاظ اینکه عرصه‌ی رقابت دو ابر قدرت هسته‌ای بوده و امنیت خود را در گرو فعالیت این دو ابر قدرت می‌دید، اقدام به دست‌یابی به سلاح هسته‌ای کرد، اما این نه تنها امنیت را حاصل نکرد بلکه میزان تهدید را افزایش داد زیرا رقابت دوطرفه تبدیل به رقابتی با اطراف جدید شد، به علاوه آنکه تهدید به جای دو ابر قدرت، این کشورها را نیز تهدید می‌کرد زیرا تا قبلاً هدف سلاح هسته‌ای نابودی رقیب بود، اما شوروی می‌بایست در وضعیت جدید راهبرد خود را بر ضد آن‌ها نیز تسری می‌داد. (سواری، ۱۳۹۱: ۴۵)

سوم. از میان رفتن عوامل متعارف برتری: عوامل متعارف برتری کشورها مانند جمعیت، موقعیت سرزمین و منابع موجود باعث می‌شوند آن‌ها با محاسبه‌ی قدرت متعارف خود تصمیم به جنگ را سخت‌تر اتخاذ کنند. با گسترش سلاح‌های هسته‌ای حتی کشوری بسیار کوچک با جمعیت پایین نیز می‌تواند خطرناک شده و آغازکننده‌ی یک جنگ جهان‌سوز باشد و عوامل متعارف بی‌معنا می‌شوند.

چهارم. حرکت به سمت فروپاشی اقتصادی: گسترش رقابت هسته‌ای عملاً باعث اختصاص میزان زیادی از سرمایه‌ی جهانی برای تولید و تقویت این سلاح‌ها می‌شود و حاصل آن جز اتلاف این سرمایه‌ها و افزایش فقر و بدبختی در جوامع نیست. شوروی به عنوان ابر قدرت هرچند از قدرت هسته‌ای برخوردار بود اما هزینه‌هایی که برای گسترش آن انجام می‌داد عملاً فقر و بدبختی را به بار آورد. اکنون نیز کشورهای دارای این سلاح‌ها هزینه‌های گزافی برای به روز رسانی و نگهداری این سلاح‌ها انجام می‌دهند در حالی که بسیاری در درون آن کشورها و جهان نیازمند کمک برای ادامه زندگی هستند.

پنجم. نابودی اعتماد بین‌المللی: وجود این سلاح‌ها در یک کشور عامل ایجاد بی‌اعتمادی نسبت به نیت و اهداف آن کشور برای همسایگان و دیگر کشورها است. این سلاح‌ها عملاً فرآیند صلح و ارتباط بین‌المللی را با مشکل مواجه می‌کنند و امکان برقراری ارتباط مبتنی بر اعتماد را منتفی می‌کنند.





ششم. تروریسم هسته‌ای: از دست رفتن کنترل کشورها بر سلاح‌های هسته‌ای و دست‌یابی گروه‌های تروریستی به آنها بزرگ‌ترین ترس جهان است. بزرگ‌ترین ترس جهان بعد از فروپاشی شوروی سرنوشت هزاران موشک هسته‌ای شوروی بود که آمریکا را وادار به دخالت کرد؛ اگر این سلاح‌ها در اختیار گروه‌های تروریستی قرار می‌گرفت، دیگر امنیت در جهان معنایی نداشت. این گروه‌ها می‌توانند به دلیل عدم وابستگی به مکان مشخص و عدم امکان پیگیری آن‌ها، بسیار راحت‌تر از دولت‌ها از این سلاح‌ها استفاده می‌کنند. بی‌شک گسترش تسلیحات هسته‌ای نتیجه‌ای جز تسهیل دست‌یابی تروریست‌ها به این سلاح‌ها ندارد.

هفتم. ترس داخلی از اشتباه راهبردی: برداشت غلط از رفتار رقیب در شرایطی که تنها به سلاح متعارف دسترسی وجود داشته باشد، خسارت چندانی به بار نمی‌آورد، ولی با وجود سلاح‌های هسته‌ای عملاً یک اشتباه بسیار کوچک در تصمیم‌گیری نابودی جهان را در پی دارد. اگر وجود اختلافات داخلی میان مسئولین که نتیجه‌ی این سلاح‌ها است، منجر به تصمیمی اشتباه و غیر عاقلانه شود هیچ راه جبرانی ندارد. (هادیان، ۱۳۸۹: ۵۹)

موارد مذکور گوشه‌ای از اثرات ضد امنیتی تسلیحات هسته‌ای و بطلان نظریه‌ی بازدارندگی و باور به امنیت‌زایی این سلاح‌ها است.

شاهد دیگر بر بطلان نظریه‌ی بازدارندگی آن است که بارها شاهد جنگ کشور فاقد سلاح هسته‌ای در برابر کشور دارنده‌ی آن بوده‌ایم که در اکثر این موارد کشور فاقد سلاح آغازگر جنگ بوده است. نکته‌ای که مؤید آن است که در صورت بهره‌مندی از سلاح هسته‌ای دلیلی برای عدم حمله به شما وجود ندارد و بازدارندگی امری بی‌معناست. حمله آرژانتین به نیروهای انگلیسی در جزایر مورد اختلاف مالویناس (فالکلند)، حمله سوریه و یا مصر به اسرائیل در سال ۱۹۷۱ و یا حمله موشکی عراق به شهرهای اسرائیل در سال ۱۹۹۱ نمونه‌هایی از این حالت هستند، در حالی که هم انگلستان و هم اسرائیل دارای سلاح هسته‌ای بودند، اما این سلاح‌ها مانع جنگ علیه آن‌ها نبود.

با دقت در ادله‌ی ارائه شده و نگرش نوین در مسأله بازدارندگی هسته‌ای می‌توان دریافت دست‌یابی به سلاح هسته‌ای نه تنها امنیت را افزایش نمی‌دهد بلکه تهدیدی برای





امنیت است. هر چند شاید در یک نگاه جزئی و در موارد خاص بتوان برای این سلاح‌ها میزانی از تأثیر را قائل شد، اما بی‌شک در این امر تردیدی نیست که سلاح کشتار جمعی مانند سلاح هسته‌ای برای کشورها ارمغانی جز ناامنی و نابودی ندارد و در مجموع اگر تمام آثار این سلاح را بر امنیت کشور دارنده‌ی آن در نظر بگیریم، رهاوردی جز ترس دایم و نفی امنیت نخواهد داشت.

با توجه به آنچه گذشت عملاً هر گونه استفاده از آیه شریفه (۶۰) سوره مبارکه انفال به عنوان یک عام قاعده‌ساز منتفی است و سلاح هسته‌ای تخصصاً و نه بر اساس تخصیص مصادیق از دایره‌ی آن خارج می‌شود. از این رو هرگونه دلیل قابل اقامه در این موضوع با یک عام قرآنی در تضاد نخواهد بود و موضع قائلین به حرمت سلاح هسته‌ای را تقویت می‌نماید.

۲-۵. ادله ممنوعیت سلاح هسته‌ای در اسلام

موضوع استفاده از تسلیحات هسته‌ای عملاً در چهار حالت قابل تصور است: نخست، جهاد ابتدایی بدون ضرورت استفاده؛ دوم جهاد ابتدایی با وجود ضرورت استفاده؛ سوم جهاد دفاعی بدون ضرورت استفاده و چهارم، جهاد دفاعی با وجود ضرورت استفاده.

اختلاف علما در حالت چهارم است که در مقام دفاع استفاده از سلاح هسته‌ای برای حفظ یک جامعه مسلمان مورد نیاز است. در صورت‌های دیگر عملاً اختلاف چندانی مشاهده نمی‌شود، مخصوصاً در صورت‌های اول و چهارم که اجماعی است. حالت دوم نیز به دلیل عدم اذن جهاد ابتدایی در زمان غیبت از محدوده‌ی بحث خارج است و صرفاً صورت چهارم باقی می‌ماند که این بحث نیز با نفی عمومیت آیه قابل طرح نیست زیرا اطلاعات موجود در باب حرمت استفاده از سم، آتش و موارد مشابه کلیه‌ی موارد چهارگانه را دربر می‌گیرد و بر این اساس هیچ شبهه‌ای در ممنوعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای باقی نمی‌ماند. باری، به دلیل ممنوعیت تمامی ابعاد کاربردی سلاح هسته‌ای و با اثبات ضررهای امنیتی ناشی از تولید و نگهداری از این سلاح‌ها می‌توان ادعا نمود در تمامی حالات قابل تصور تولید، نگهداری و استفاده از تسلیحات هسته‌ای ممنوع و حرام است.





لازم به ذکر است مواردی مانند سم و غیره به دلیل کاربرد غیر نظامی مانند پزشکی دارای ممنوعیت جامع در تولید و نگهداری نمی باشند بلکه تبدیل آن‌ها به سلاح و استفاده در کشتار افراد ممنوع می باشد.

با اثبات عدم تأثیرگذاری سلاح هسته‌ای در افزایش امنیت ملی و آثار غیر قابل کنترل آن این پرسش مطرح می شود که آیا هیچ وجدان بیداری برای رسیدن به پیروزی این امر را تأیید می کند؟ در تاریخ اسلامی از سوی نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) هرگز مشاهده نشده که برای دست یابی به هدف مقدس امر خطایی مجاز شمرده شود. سیره‌ی حضرت امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) در دوران زمامداری حکایت از آن دارد که هرگز حضرت برای دست یابی به هدف والای خود از راه‌های خطا و ناصواب استفاده نمی کردند؛ برای مثال ایشان در برابر قطع آب بر روی لشکریان خود توسط امویان در جنگ صفین هرگز حاضر به مقابله به مثل نشدند.

قواعد «وزر» و «حرمت سعی بر فساد» نیز حرمت تولید، نگهداری و استفاده از سلاح هسته‌ای را اثبات می کنند. محقق نجفی در جواهرالکلام استفاده از سم در نبردها، که خاصیت کشتار جمعی دارد، را حرام می داند و آنگاه این قول را به شیخ طوسی در نهاییه، ابن زهره در غنیه، ابن ادریس در سرائر، محقق حلی در مختصر النافع، علامه حلی در تبصره، شهید اول در دروس و محقق کرکی در جامع المقاصد نسبت می دهد. ایشان حتی استفاده از سم را در صورتی که پیروزی در جنگ بر آن متوقف باشد جایز نمی دانند زیرا روایتی که از استفاده سم را منع کرده است اطلاق دارد و شامل این مورد هم می شود. (نجفی، ۱۴۰۴: ۶۷)

آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری پس از استشهاد به روایت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که از ریختن سم در شهرهای مشرکین منع کرده‌اند، این بحث را مطرح می کنند که اگر پیروزی در جنگ به این کار منحصر باشد، اختیار در دست ولی امر است که باید همه‌ی جهات و خصوصیات را ملاحظه نماید. (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۲۴) در این صورت وقتی ولی امر در ایران اسلامی فتوا به حرمت تولید و استفاده از هر گونه سلاح





کشتار جمعی را صادر می کنند، روشن است که حکم او بر همگان حجت و یک سند قطعی در نظام جمهوری اسلامی ایران شمرده می شود.

بی شک این سلاح و تبعات آن یکی از مصادیق آیه شریفه (۲۰۵) سوره مبارکه بقره می باشد که خداوند در آن ضمن نهی از تزییع حرث و نسل در زمین، صراحتاً از کسانی که که نسل بشری را تهدید و دارایی های او را نابود می کنند، تبری جسته که در تفاسیر نیز به این نکته اشاره شده است. آثار گسترده و طولانی مدت این سلاح بر انسان های بی گناه و نیز نسل های آینده موجب می شود این مسأله تحت قاعده ی وزر قرار گیرد که خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»؛^۱ چرا که نسل های آینده در صورت استفاده از این سلاح باید بار گناه دیگران را به دوش بکشند و رنج گناهی را تحمل کنند که خودشان در آن سهمی نداشته اند و بر مبنای گناه پدران شان مورد ستم واقع شوند که این امر در دین اسلام مورد نهی واقع شده است.

نتیجه گیری

بر اساس ادله ی ارائه شده می توان به عنوان نظری فقهی ادعا نمود تسلیحات هسته ای نمی توانند امنیت را ایجاد و از دست اندازی دشمنان بر سرزمین های اسلامی جلوگیری کرده و در مصادیق آیه مورد بحث قرار نمی گیرند زیرا آیه بر اموری دلالت دارد که بتواند حس ترس را ایجاد کرده و عامل بازدارندگی باشند و امنیت را برای کشورهای اسلامی به ارمغان بیاورند. این در حالی است که سلاح هسته ای عکس این وضعیت را ایجاد کرده و با ایجاد رقابتی بی پایان در دست یابی به سلاح های جدیدتر و افزایش احتمال تروریسم هسته ای امنیت را نه تنها از دارندگان آن، که از تمام جهان سلب می کند. همین درک باعث تلاش جهانی برای کنترل و نابودی این تسلیحات در قالب دو نظریه ی کنترل و خلع سلاح شده است. نگرش جهانی به استفاده ی صلح آمیز از این نیروی عظیم با وقوع چند حادثه ی



۱. سوره مبارکه انعام/ آیه شریفه ۱۶۴؛ سوره مبارکه اسراء/ آیه شریفه ۱۵؛ سوره مبارکه فاطر/ آیه شریفه ۱۸؛ سوره مبارکه زمر/ آیه شریفه ۷.



فاجعه‌بار مانند چرنوبیل در شوروی سابق (اوکراین) و فوکوشیما در ژاپن دچار تردید اساسی شده است. خسارت عظیم این دو واقعه به ویژه در چرنوبیل که باعث مرگ تعدادی زیاد، پخش آلودگی تا انگلستان و غیر قابل سکونت شدن منطقه‌ی وسیعی در اوکراین برای زمانی بین سیصد تا ششصد سال شده است نشان داد که چه خطری حتی در استفاده‌ی صلح آمیز از این انرژی وجود دارد، تا جایی که بخشی از کشورهای جهان مانند ژاپن، سوئیس و دیگر کشورها برنامه‌ای برای نابودی نیروگاه‌های هسته‌ای خود تدارک دیده‌اند. با توجه به همین امر و با استناد به آیه شریفه ۲۰۵ سوره مبارکه بقره ناظر بر حرمت تضييع حرث و نسل، و نیز بر اساس قاعده وزر می‌توان حرمت قطعی سلاح‌های هسته‌ای را استدلال کرد.

اثبات ممنوعیت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی به ویژه تسلیحات هسته‌ای در فقه اسلامی را می‌توان دلیل اصلی و مبنایی فکری، شرعی طرح منطقه‌ی عاری از سلاح کشتار جمعی در خاورمیانه دانست و بر همین اساس رفتار ایران را باید مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

حقوق اسلامی در این زمینه با عبور از حقوق بین‌الملل موجود با نگاهی انسانی در زمینه‌ی تسلیحات هسته‌ای نه تنها ممنوعیت استفاده را اثبات می‌کند که هر گونه تلاش برای تولید و نگهداری آن را نیز در دایره‌ی حرمت وارد می‌نماید.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، بی‌تا، التحریر و التنویر، بیروت، تاریخ العربی، بی‌چا.
۲. اسدی، علی اکبر، ۱۳۸۷ش، سیاست هسته‌ای در منطقه خلیج فارس، فصل نامه دیدگاه.
۳. آلوسی، سید محمد، ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب، بی‌چا.
۴. برزگر، کیهان، ۱۳۹۰ش، نقد نظریه توازن قوا در خلیج فارس، فصل نامه دیدگاه.





۵. بلوچی، حیدر علی، ۱۳۸۱ش، جهانی شدن و بازدارندگی هسته‌ای، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۳.
۶. ثقفی عامری ناصر، ۱۳۸۱ش، ایران و جنگ افزارهای انهدام انبوه، نشریه راهبرد، ش ۲۷.
۷. حبیب‌اللهی، مهدی، ۱۳۸۲ش، نظریه بازدارندگی از تنوری تا عمل، فصلنامه سیاست دفاعی، ش ۲۵.
۸. حسینی شیرازی، ۱۴۲۶ق، سید محمد، الفقه السلم و السلام، بیروت، دارالعلم، بی‌چا.
۹. رازی، ابو عبدالله محمد، ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب، بیروت، دارالاحیاء، بی‌چا.
۱۰. زحیلی، وهب بن مصطفى، ۱۴۱۸ق، التفسیر المنیر، بیروت، دارالفکر، بی‌چا.
۱۱. ساعد، نادر، ۱۳۸۶ش، منع مطلق کاربرد سلاح هسته‌ای: نظام حقوقی در حال گذار، فصلنامه سیاست دفاعی، ش ۵۸.
۱۲. سواری، حسن و پیری، حیدر، ۱۳۹۱ش، منافع حیاتی دولت‌ها در پرتو معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات، فصلنامه روابط خارجی، ش ۳.
۱۳. شاذلی، سید بن قطب، ۱۴۱۲ق، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق، بی‌چا.
۱۴. صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵ش، الفرقان فی التفسیر القرآن بالقرآن، قم، فرهنگ اسلامی، بی‌چا.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی التفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌چا.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۳ش، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، بی‌چا.
۱۷. عاملی، محمد بی حسن حر، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، بی‌چا.
۱۸. عسگرخانی، ابو محمد، ۱۳۷۷ش، سیری در نظریه‌های بازدارندگی: خلع سلاح و کنترل تسلیحات، فصلنامه سیاست دفاعی، ش ۲۵.
۱۹. فضل‌الله، سید محمد حسین، ۱۴۱۹ق، من وحی القرآن، بیروت، دارالملائک، بی‌چا.





۲۰. محسنی قندهاری، محمد آصف، ۱۴۲۹ق، الفقه و مسائل طیبه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌چا.
۲۱. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰ش، التحقیق فی الکلمات القرآن، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، بی‌چا.
۲۲. مغنیه، محمد جواد، ۱۴۲۴ق، تفسیر الکاشف، تهران، دارالکتب، بی‌چا.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب، بی‌چا.
۲۴. ممتاز، جمشید و رزاقی، ساکت، محمد، ۱۳۸۹ش، معضلات اجرای منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۲.
۲۵. ممتاز، جمشید، ۱۳۷۷ش، حقوق سلاح‌های کشتار جمعی، تهران، دادگستر، بی‌چا.
۲۶. موسوی سبزواری، سید عبد الاعلی، ۱۴۱۳ق، مهذب الاحکام، بیروت، المنار، بی‌چا.
۲۷. میر فخرایی، هوشمند، ۱۳۸۸ش، استراتژی معاصر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، بی‌چا.
۲۸. نجفی محمدحسن، ۱۴۰۴ق، جواهر الکلام، بیروت، دارالاحیاء، بی‌چا.
۲۹. هادیان، ناصر و هرمزی، شانی، ۱۳۹۰ش، نقش سیستم دفاع موشکی در بازدارندگی هسته‌ای، بررسی رفتار امنیتی - نظامی ایران، فصلنامه روابط خارجی، ش ۳.
30. Thayer, B.A., (1995), "Nuclear Weapons As a Faustian Bargain S.Lee, Whats Wrong With Nuclear proliferation, Feratoon Security Studies 5, No. 1.
31. Tariq Khaitous, (2016), "Why Arab Leaders Worry About Iran's Nuclear Program", <http://www.thebulletin.org/web-edition/features/why-arab-leaders-worry-about-irans-nuclear-program>
32. The Heritage illustrated Dictionary International Edition, (1969), American Heritage Publishing co inc. Boston.

